

را بکشد، یا کاری کنند که بچه از شکم زن حامله‌ای  
بیندازد بشرط آنکه بچه حرکت نیامده باشد کفـساره  
واجب نیست .

— و بدانکه عاقله جمعی اند که خونبهای کسی  
را که خویش ایشان از روی خطا کشته باشد میدهند چون  
پدر و فرزندان و خویشان پدری . و خونبها دادن برپدر  
یا خویشان پدری واجب است نه بر مادر و خویشان مادری،  
و بر مرد واجب است نه بر زن ، و بر عاقل واجب است نه بر  
دیوانه ، و بر آزاد نه بنده ، و اگر کشته شده جهود  
باشد جهود را عاقله نیست .

— و اگر کسی باکنیزی که غضب کرده دخول کند و  
کنیز بکر باشد از روی جهالت ، باید که کنیز را با  
مهرالمثل او یا ده یک قیمت او به صاحبش رد کند، و اگر  
نباشد او را با سیست یک قیمت آورد کند . و اگر بکارت  
کنیز را به انگشت ببرد دیت بکارت را با کنیز رد کند ،  
و اگر بعد از آنکه بکارت او را به انگشت برده باشد  
دخول کند دیت بکارت را با کنیز و آنچه مذکور شد از  
مهرالمثل یا ده یک قیمت او با اجرت المثل ایامی که  
کنیز را داشته باشد بدهد ، و اگر کنیز حامله شود  
فرزند در این صورت از غاصب است و قیمت فرزند را در  
روزی که وضع حمل کنیز میشود به صاحبش میدهد با  
تفاوتی که در قیمت کنیز بهم رسیده باشد . و اگر در  
وقتی که کنیز از غاصب حامله باشد شخصی چیزی بر شکم  
آن کنیز زند که طفل او بیفتد غاصب از آن کی دبیسه  
حسن آزاد میگرد و صاحب کنیز از غاصب دید جنین  
بیده میگرد . و اگر گوشند نری را غضب کنند و سر  
گوسفند ماده کنند نتاج آن هر دو از صاحب گوسفند ماده  
است اگرچه آن از غاصب باشد .

— حد دزدی آن است که واجب است بر دزد که آنچه دزدیده همان را یا مثل آن را با قیمت آن را به صاحبش دهد ، اما رد کردن مال دزدیده به صاحب آن مانع از قطع دست او نمی‌گردد ، وست است که دست و پای دزد را بعد از بریدن به روغن زیت ( رسون ) داغ کنند و دست بریده را در کردن او آویزند .

— و حد محاربت بریدن دست راست است و پای چپ با هم یا عکس آن ، وگشتن واز حلق کتیدن ، و میانه محبتدین خلاف است که آیا زنده از حلق باید کشید یا اول بکشند و بعد از آن از حلق بکشند .

— و حد زنا رجم کردن است ، یعنی ناکمرد در زمین فرو کردن و سنگسار کردن . و این در صورتی است که آن زنی که با او دخول کرده بر آن مرد حرام باشد ، ولی اگر به شبهه دخول کرده باشد حدی نیست . و باید که آلت خود را در فرج زن غایب ساخته باشد ، خواه در قبیل او خواه در دُبر او ، و غیبیوت حشفه ( داخل شدن تمام آلت ) لازم است ، پس اگر غیبیوت نشود حد زنا ندارد ... و حد مرد پیر آزاد بالغ عاقلی که زن مدخوله به عقد صحیح یا ملکی داشته باشد و زن پسر اجنبیه که شوهر داشته باشد و زنا کنند این است که ابتدا به صد تازیانه باید نمود آنگاه سنگسار باید کرد . و نیز چنین است حد مردی که در میان پایهای مردی دیگر منی خود را بریزد و زن داشته باشد . و صد تازیانه است حد زنی که شوهر داشته باشد و طفلی با او زنا کند برضا و رغبت او ، و حد دو زن که در زیر یک لحاف برهنه بخوابند و دو مرتبه ایشان را تعزیر کرده باشند ، و حد کسیکه در میان پای های مردی دیگر منی خود را بریزد و زن نداشته باشد ، و حد زنی که با زنی مساحقه کند .

— و حد لواط آن است که ایشان را سه مرتبه بکشد یا بسوزانند یا سنگسار کنند یا دیواری بر سر ایشان فرود آورند یا از کوه بلندی ایشان را بیندازند ، و امام مخبر است میانه آنکه هر دو را سوزانند یا سنگسار کند یا یکی از ایشان را بسوزاند و یکی را سنگسار کند .

— و حد کشتن است جهودی را که با زنان مسلمان زنا کنند ، و کسی که با زنی به اجراه زنا کند ، و کسی که جهت تفخید یعنی منی ریختن در میان ران مردان سه مرتبه تعزیرش کرده باشند ، و زنانیکه ایشان را سه مرتبه جهت سحق با زنان دیگر تعزیر کرده باشند ، و کسی که دعوی پینمیری کند ، و کسی که تصدیق نماید دعوی چنین کس را ، و مردی که پدر او مسلمان باشد و او کافر گردد ، و مردی که پدر او کافر باشد و او مسلمان شود و بعد از اسلام کافر گردد ، و آقائی که به کشتن غلامان خود عادت کرده باشد ، و حد مسلمانی که به کشتن جهود عادت کرده باشد .

— و اگر بر شخصی رحم ( سنگسار ) واجب شود اقل جماعتی که باید حاضر شوند باید ده کس باشند ، و بعضی سه کس نیز گفته اند ، و باید که غسل میت کند و کفن بیوشد ، و گواهانی که به زنا کردن او گواهی داده اند اول ایشان سنگ بزنند ، و اگر بغیر گواه نزد امام ثابت شده باشد امام ابتدا به سنگ زدن کند ، و در سنگسار کردن زن را تا سینه و مرد را تا کمر در زمین پنهان کنند ، و اگر بعد از آنکه ایشان را در زمین پنهان کرده باشند بگریزند ایشان را برگردانند . و اگر بر شخصی رجم و جلد ( سنگسار و تازیانه با هم ) واجب شود باید عورتین مرد را بیپوشند و زن را بارخت بزنند ، و باید که سخت تازیانه بزنند ، و تازیانه را برفسرج

اینان بزنند ، و باید که در سکار سگهایی که در  
 میزنند کوچک باشد تا آنکه او را زود نکشد .  
 — و حد تعزیر بر موارد متعدده شامل است که  
 از آن جمله است : کسی که در رورماه رمضان با زن خود  
 جماع کند ، و دو مرد سگانه که برهنه در ریر لحاف  
 باشد ، و دو زن برهنه سگانه که در زیر یک لحاف  
 باشند ، و کافری که سحر کند ، و طفل و دیوانه که  
 شراب خورند ، و کسی که به حرکت دست می از خود  
 بیرون آورد ، و کسی که غلام خود را بکشد ، و کسی که  
 ماهی که فلس نداشته باشد بخورد ، و کسی که حیوان  
 زنده را بخورد ، و کسی که سرز حیوانات را بخورد ، و کسی  
 که بر خود را بکشد ، و طفل و دیوانه که زنا کنند ،  
 و طفل و دیوانه که مرتد شوند ، و دخول کردن بر  
 چهارماییان . و مکروه است کشتن کسی که جهاد میکند  
 پدر خود را بدست خود .

( جامع عباسی ، بابهای

نوردهم و بیستم ، در احکام

کس و واجب و مستحب و مکروه )

— هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را  
 بکشد محکوم به قصاص است ، لیکن باید قبل از احکام  
 قصاص قاتل ، ولی زن نصف دیه مرد را به او بپردازد .  
 — پدر یا جد پدری که فرزندی خود را بکشد قصاص  
 نمیشود ، و فقط به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول  
 محکوم میشود .

— در قصاص عضو ، اگر مجرم دست راست نداشته  
 باشد دست چپ او ، و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد  
 پای او قطع میشود .

— هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و محنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد، قصاص با قسط نمیشود .

— هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند باید دندان او را بعنوان قصاص بشکنند ، ولی اگر منجی علیه قسبل از قصاص دندان درآورد در صورتیکه دندان جدید او سالم باشد مجرم فقط باید شش‌زیر شود ، و اگر دندان تازه معیوب باشد مجرم باید تفاوت قیمت بین دندان سالم و معیوب را بپردازد .

— زنای مرد یا زنی که همسر دائمی دارد ، ولی در اثر مسافرت یا حبس و مانند آن به همسر خود دسترسی ندارد موجب رجم نیست .

— حد زنا در موارد زنا با محارم نسبی ( مادر ، خواهر ، عمه ، خاله ) و زنا با زن پدر قتل است ، و فرقی نمیکند اگر این مجرم جوان یا پیر و شوهردار یا غیر محصن باشد . و فرقی نمیکند اگر زنی که با او زنا کنند زنده یا مرده باشد ( ! )

— بزرگی سنگ در رجم ( سنگار ) نباید در حدی باشد که فقط با اصابت یک یا دوتای آن شخص مجرم‌گشته شود .

— هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بسوسد تعزیر میشود .

— هرگاه زنی همجنس‌بازی کند با اندام تناسلی، برای هر بار صد تازیانه میخورد . و در بار چهارم بسه قتل میرسد . و هرگاه دو زن بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند ، ولو مساحقه نکنند ، تعزیر میشوند .

— هرگاه کسی به شخصی گوید زن قحبه یا خواهر قحبه ، نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده محکوم

به حد قذف میشود . ولی اگر قذف شونده نسبت به آنچه  
به او نسبت داده شده عقیف نباشد قذف کننده حد و  
تعزیر ندارد .

( از قانون رسمی حدود و قصاص  
اسلامی جمهوری اسلامی  
ایران ، تصویب شده از طرف  
مجلس شورای اسلامی و معاهده  
شورای نگهبان )

— کفرهای الهی برای زانی قسم است : کسی  
فقط ، سنگسار فقط ، تازیانه فقط ، تازیانه و سحر  
تراشیدن و متعدد ، تازیانه و سنگسار ، تازیانه و کشتن .  
اگر زانی موجب رجم ( سنگسار ) یا اضرار بسبب  
شوت رسیده باشد ، امام ابتدایه سنگبرانی میکند و  
سپس مردم ، واگر بایینه ثابت شده باشد برگواهسان  
است که ابتدا به سنگبرانی کنند بعد از آن امام و  
بعد مردم . فتوای استاد امام خمینی مدظله العالی  
در تحریر الوسيله نیز همین است و دغدغه مرحوم شهید  
قدس سره در شوت و حوب ترتیب مذکور غیر موجه است .

در شرایع میفرماید که سزاوار است سنگها ریخته  
باشد تا زانی زود جان نبرد . و امام خمینی مدظله  
نیز میفرمایند : همین احوط است .

و جایز نیست که رجم تبدیل به قتل یا شمشیر و یا  
اعدام یا گلوله و امثال اینها شود ، زیرا قتل از طریق  
سنگسار لازمه اسلام است . . . . . ولابد و ناچار باید اقامه  
گردد تا منشاء نزول برکات الهی گردد ، چنانکه مکرر  
در اخبار آمده است که اقامه رجم در روزی زمین از  
پاران چهل شیانروز بابرکت تر است .

— کسی که با داشتن همسر حره ( آزاد ) سا

کنیزگی ازدواج کند و بدون اذن همسر حره یا کنیز —  
مذکور محامعت کند ، یک هتتم کیفرزنا ی غیر محصنه  
یعنی دوازده ونیم ضربه تازیانه ( ! ) بعنوان تعزیر  
خواهد چنید .

— اگر مردی همسر یا کنیزی دارد ولی عرفاً آن  
همسر یا مملوکه در دسترس او نیست ، مثلاً در سفر است  
یا بیمار است و با در زندان ، جناحه برای دفع شهوت  
خود مرتکب زنا شود حد و سنگسار ندارد .

— اما لواط ، چه به نحو ایجاب و دخول باشد  
با غیر آن ، ظاهراً مشتق از عمل قوم لوط علیه السلام  
است . و مرتکب این عمل کند در صورت ابتلاء<sup>۱</sup> رفته رفته  
منکوس الطبع و فاسد الفطره میشود ، وای سا که مفعول  
این خیانت به بیماری اسه و سیلان رطوبات و از دست  
دادن قوه ماسکه مبتلا میشود .

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت  
شده که فرمودند : " وقتی که یک انسان نر با انسان  
نر دیگری شروع به جنس عمل میکنند عرش سه لـرزه  
میآید (۱) ، و مفعول را خداوند متعال روی بیل جهنم  
زندانی میکند تا حساب بقیه خلاصی خاتمه پذیرد . سپس  
دستور میفرماید که به جهنم سرنگونش کنند و در هر  
طبقه ای از طبقات جهنم کفر میکنند تا به طبقه اسفل  
آن میرسد که دیگر از آن خارج نمیکردد . "

باید دانست که لواط اعم از ایقاب و غیر ایقاب  
است ، و مراد از ایقاب دخول است گرچه موجب غسل  
هم نشود ، و مراد از غیر ایقاب انجام عمل کند مذکور  
بین سرین و کفل و ران است .

---

۱ - شاید نقل این شعر شاعر شوخ اصفهانی در  
انحا<sup>۱</sup> نامورد نباشد ( که البته باللهجه اصفهانی  
شعرش نراست ) :

گویند اگر وطنی کسی ، عرش بلرزد !  
عرشی که به یک وطنی بلرزد ، کوی بلرزد !

در خبر صحیح علی بن اسراهم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند : در وقتیکه امر المؤمنین علیه السلام در میان بزرگانی از صحابه خویش بودید ناگهان مردی خدمتان آمد و عرض کرد یا امیر المؤمنین ، بایسر جوانی لواط کرده ام ، تطهیرم فرما . امام فرمودید : برو منزلت ، گویا زرداب مسدهات به هيجان آمده ، مرد رفت ولی فردا نیز آمد و همان سخن روز قبل را گفت و امام علیه السلام نیز همان پاسخ را دادند تا چهار بار . در دفعه چهارم امام فرمودید : میخواهی امر کنم تا ضربه‌ای باشمیر به گردنت بزنند یا با دست و پای بسته از کوهی پرتابت کنند یا در آتش بسوزانند ؟ بعد از تأمل عرض کرد : بسوزانند .

و اما جمع بین بعضی از انواع مذکوره و سوزاندن ، در خبر صحیح عرومی است که در زمان خلافت عمر لواط دهنده‌ای را در محضر عمر بدستور امیر المؤمنین علیه السلام گردن زدند . بعد از آن امیر المؤمنین فرمودند : دست نگهدارید که کیفر دیگری نیز برایش مانده است ، پس یشته هیزمی خواستند و لاشه مقول را در آن پیحیدند و آتش زدند . فتوای استاد امام خمینی مدظله العالی در تحریب الوسله نیز همین است .

شایان تذکر است که عمل پلید لواط به نحو دخول ، علاوه بر ایجاب کیفر منشاء تحریم مادر لواط دهنده و مادر مادر او و هرچه بالاتر رود ، و همچنین دختر لواط دهنده و دختر دختر او (۱) و هرچه نازلتر شود ، و خواهر لواط دهنده ، بر لواط کننده است .

انواع این عقوبتها ، و تحریم و تزویج و مصاهرت تماماً از آثار شوم عمل گند لواط در صورت ایجاب

۱- آیه اله در سوره س چنین لواط دهنده‌ای توصیح بیشتر



یعنی دخول است ، و اما در صورت عدم دخول ، مثلا پس کفل و ران انجام شود ، عفویت آن یکصد ضربه تا زیانسه است . در اجرای کبفر بر منای مشهور فرقی بین حصر و عمد ( آزاد و سنده ) و مسلمان و کافر و محصن و غیر محصن نیست ، ولی اگر فاعل کافر باشد کشته میشود . در زیر پوشش واحدی مانند لحاف و ستو ، اگر دو مردی که رحم یکدیگر نیستند و ضرورتی هم در بین نباشد عربان و سرهنه قرار بگیرند ، مرحوم محقق در شرایع فرموده که بین سی تا نود و نه ضربه به تا زیانسه تعزیر میشود . سلیمان بن حلال از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که مردی با مرد دیگری زیر لحاف سی میخوابند . فرمودند : آیا رحم یکدیگرند ؟ عرض کرد : نه . فرمودند : ضرورتی اقتضا داشت ؟ عرض کرد : نه . فرمودند : هریک سی ضربه شلاق میخورند .

خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام مردی را آوردند که از زیر لحاف مردی دستگیرش کرده بودند . امام علیه السلام دستور فرمودند او را به موضع خرد یعنی موضعی که در آن نجاست شده بود بردند و در آن نجاست او را غلطانیده ملوثش کردند .

— اما حد قذف ( دشنام ) . پس محمد بن مسلم از امام محمد باقر ( ع ) روایت میکند که فرمودند : مردی از قبیله هذیل به رسول الله صلی الله علیه و آله دشنام میداد ، مطلب به عرض پینمیرگرمی رسید . فرمودند : چه کسی است که چاره این ناکس را بکنید ؟ دو مرد از انصار عرض کردند ما یا رسول الله ! پس روان گردیدند و به نهر آبی رسیدند . سراغ آن مرد را گرفتند که از گوسفندانش سرکشی میکرد . گفتند : شما فلان کس پسر فلانی هستید ؟ گفت : بلی . پس آن دو نفر پایشان آمدند و گردنش را زدند .

و بار محمد بن مسلم میگوید : ار امام باقر (ع) پرسیدم بفرمائید اگر کسی به رسول الله صلی الله علیه وآله دشنام داد باید کشته شود؟ فرمودند اگر زورت باو برسد خودت بکشی !

و در حصر صحیح همام بن سالم است که به امام صادق (ع) عرض کردم : چه میفرمائید در باره کسی که دشنام به علی علیه السلام میدهد؟ فرمودند حواس صاف است به خدا سوگند .

فصل بیست و نهم در بررسی از صحیفه الرضا نقل میکند که از رسول الله (ص) روایت گردیده است که هرکس به پیغمبری دشنام دهد باید کشته شود ، و هرکس به یکی از یاران پیغمبر دشنام دهد باید تازیانه بخورد . و استاد امام خمینی مدظله العالی در تحریر الوسله میفرمایند : اگر به صدیقه ظاهره هم دشنام بدهد که به دشنام رسول الله (ص) برگردد بدون دشنام دهنده کشته میشود .

— شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب " من لایحضره الفقیه " از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که مردی به آن حضرت شکایت کرد که این شخص مسند دارد که مادر مراد خواب دیده و محتلم شده است امام علیه السلام فرمود که احتلام همچون سایه است . اگر میخواهی سایه این مرد را برایت شلاق بزنم . ولی من این شخص را طوری ادب میکنم که دیگر از این خوابها نبیند .

— علی بن جعفر میگوید : برادرم موسی بن جعفر بمن گفت که امام باقر علیه السلام از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله نقل فرمودند که آن کسی که میشنود فردی نام مرا به بی احترامی میبرد بر او واجب است آنکس را که بمن دشنام میدهد بکشد و او را به محضر حاکم نکشاند ، و چنانچه به محضر حاکم کشانده شد بر

حاکم واحسان که آن کس را که بمن تقصیر (بی ادبی) کرده است بکند .

( آیهاله محمدی گلاسی رئیس

دادگاههای شرع حمپوری

اسلامی ، نعل ار سلسله

مقالات ایشان در روزنامه

کشان ، شهریور و مهر ۱۳۶۱ )

— کسی که باید سنگار شود درباره او حد الهی

اجرا میشود ، خواه مریض باشد و یا سالم . چراکه منظور

این است که او کشته شود و هیچ لزومی ندارد که صبر

کنیم تا از نظر مزاجی بهبودی یابد .

— کسی که باید شلاق بخورد و مریض و علیل باشد ،

اگر مصلحت مریض و یا حاکم در اینست که او در حال مرض

حد بخورد و یا مرض طوری است که امید بهبودی نیست ،

باید یک قبضه از خوشه های خرما را بدست بگیرند که

صد شاخه داشته باشد و یکبار با آن مریض را بزنند .

( شیخ طوسی ، کتاب النهایه ، نقل از

مقاله حجه الاسلام والمسلمین موسوی

تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی

ایران در مجله پیامدار

اسلام ، آبان ۱۳۶۱ )

— اگر مصلحت شخص مریض یا زن مستحاضه تعجیل

در اجرای حد را اقتضا کند و یا اینکه بیماری آنها

به گونه ای باشد که امید به بهبودی نیست ، مانند

فلج یا مریض سل یا شخصی که از نظر خلقت ضعیف است ،

انتخاب میکنند شلاق یا چوبهای تر یا خوشه های خرما ،

و بمقدار محکومیت او را مبرند .  
( فاضل هندی ، کتاب  
كشف اللثام ، نقل از همان منبع )

— کبفر افراد مریض و زنجبای مستحاضه و کاسکه  
در بدنشان زخم یا ناراحتیهای جسمی دیگری است ، اگر  
اعدام و یا سنگسار شدن باشد ، واجب است که حد را اجراء  
کرد و تأخیر حد حرام است .

( آفة الهمیسی ، کتاب تحریر  
الوسیله ، نقل از همان منبع )

— کسیکه لازم است سریعاً شلاق بخورد ، اگر بیش  
از حد متعارف ضعیف یا لاغر باشد یا مرض شدیدی داشته  
باشد که امیدی برای بهبودی وی نباشد ، مانند اشخاص  
ملول و خدای و یا مبتلابان به سرطان ، درین صورت  
برای بهبود یافتن مریض نباید صبر کرد ، بلکه باید  
یک خوسه از خرما را گرفت که مثلاً صد شاخه داشته باشد ،  
و اورازد . و البته باید مراقبت کامل کرد که همه  
شاخه ها به بدن مجرم اصابت کند .

( عبدالرحمن حریری ، کتاب  
الفقه فی مذاهب الاربعه ،  
جلد پنجم ، نقل از همان منبع )

— نقل است از ابوهریره ، که روزی پیش رسول  
الله صلی الله علیه و آله بودم . شخصی را آوردند که  
شراب خورده بود . حضرت : خور دادند که او را بزنید .  
بعضی از ما با کفش و بعضی با دست و بعضی با لباس بسته  
کتک زدن او برداختیم . و بعضی هم با او گفتند : خدا  
ترا دلیل کند . حضرت رسول الله فرمودند : حرف من

برست که کار نمطان است ، ولی کنگن برسد .  
( ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری ،  
حدیث بخاری ، عمل ارشاد مسیح )

— حضرت صادق ( ع ) فرمودند که در زمان رسول  
اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ ، مردی را آوردند که از  
حینت مرغی استخوان شکم او سس از حد ساد کرده بود و  
گوشت را سبای او ریخت و رگنای آن پیدا بود . وی با  
یک زن مرغی مرنگ عمل زنا شده بود . حضرت دستسور  
دادند یک فیضه از تاخه های خرما آوردند و هم مرد را  
و هم زن را زدند .  
( بحی بن عماد سکی ، روایت ارسفیان  
نوری ، عمل ار همان مسیح )

## درا حکام نجاسات

— و اما سبب نجاست : اول ، بول ، دوم  
غایط ، سوم ، خون ، از هر حیوانی که خون چینه داشته  
باشد . چهارم ، منی از حیوانی که خون چینه داشته  
باشد . پنجم ، سگ غیر سگ آبی که آن ظاهر است ، اما  
حرام است . ششم ، خوک غیر خوک آبی که آن حکم سگ  
آبی را دارد . و اگر سگی به گوسفندی بچهد و سگ از  
ایشان حاصل شود ( ! ) پس اگر به سگ شبیه باشد نجس  
است و اگر به گوسفند شبیه است یا به حیوانی شبیه

نیست ظاهراست . اما اگر سگی به خوکی بجهد و بجهدای حاصل شود ( ! ) که بیهیچکدام شیهه نباشد در نحس بودن آن میانه محتهدین خلاف است و احتیاط آن است که نحس است . هفتم ، کافر ، خواه ذمی و خواه حرسی و خواه اهل کتاب باشد و خواه نباشد ، اما فلیسلی از محتهدین را عقیده آن است که بیبود و بکاری نحس نیستند و این عقیده ضعیف است . هشتم ، هرچه مستکننده باشد بشرط آنکه در اصل روان باشد . نهم ، شیره انگور هرگاه بچونند که چهار دانگه کم شده باشد . دهم ، ففاح یعنی بوزه و آن نحس است اگرچه مستکننده نیست . یازدهم ، حیوانی که بمیرد بشرط آنکه در حال حیوة خون چهنده داشته باشد خواه گوشت آن حلال باشد و خواه حرام ، و سد مرتضی بر آن است که احرای نحس العین که حی نداشتنه باشد مثل مو و استخوان سگ و خوک ظاهر است ، و باقی محتهدین خلاف او گفته اند .

( جامع عباسی ، باب اول ، فصل نجاسات )

— بول و غایط حیوانی که انسان آن را وظی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده نحس است .

— تمام بدن کافر حتی مو و باخن و رطوبتنبای او نحس است . اگر بذر و مادر وجد و حده بجه نابالغ کافر باشند آن بجه هم نحس است .

— عرق آدمی که از حرام جنب شده نحس نیست ، ولی اگر انسان در روزه ماه رمضان با زن خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در تمام از احتیاط نماید .

— اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در

نماز احتساب کند ، ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد از راه حرام جنب شود میتواند با داشتن عرق نماز بخواند .

— عرق شتر نجاستخوار نجس است ، ولی اگر حیوانات دیگر نجاستخوار شوند از عرق آنها احتساب لازم نیست .

— اگر اسباب اماله یا آب آن در محرج غایب شود یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد نجس نیست .

( آیه اله خمیسی، توضیح المسائل،  
نجاسات و احکام نجاسات )

### در احکام غسل

— اگر شخصی را از حلق کشیده باشند به دار ، و شخصی بعد از سه روز بقصد دادن او برود و او را حلقی آویز ببیند ، سنت است که غسل کند .

— اگر شخصی وزغد بینی حلیماید را بکشد ، سنت است که آن سه است که غسل کند .

— اگر شخصی دیوانه بوده باشد و بیوش آید سنت است که غسل کند .

— اگر شخصی جنب بوده باشد و سمره سنت است که او را قبل از غسل صحت با بعد از آن غسل جنابت دهند .  
— اگر در غسل قصد حدث اکبر (۱) داشته باشد یا حلال است ، اما اگر قصد حدث اصغر (۲) کند این غسل

---

۱- دفع مدفوع ۲- دفع باد

نزد بعضی از محققین باطل است و نزد بعضی باطل نیست .

— سنت است که اگر از مرد یا زن انزال رسیده باشد غسل از غسل بول کند یا بقیه منی یا بول بیرون آید ، و اگر بول باشد استراکنند .

— سنت است که چون برای غسل در آب رود سه نوبت آنرا مضمضه کند .

— اگر شخصی را انزال منی شده باشد و غسل جنابت کند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید و نداند که آن رطوبت منی است یا غیر منی ، پس اگر قبل از غسل بول کرده و استبرا نیز از بول کرده باشد آن غسل نماز میتواند گذارد و وضو لازم نیست ، و اگر بول کرده اما استبرا از بول نکرده بر او لازم است که وضو بسازد ، و اگر نه بول کرده و نه استبرا از منی ، بر او لازم است که غسل را از سر گیرد ، و اگر از منسی استبرا کرده اما بول نکرده پس اگر قادر بر بول کردن نبوده به آن غسل میتواند نماز گذارد و وضو لازم نیست ، و اگر بر بول کردن قادر بوده غسل را از سر گیرد .

— در غسل ترتیبی باید اول سر و گردن را بشوید و بعد از آن جانب راست را و بعد از آن جانب چپ را ، پس اگر شستن یکی از این دو جانبین را بر شستن سر مقدم دارد به اجماع علما آن غسل باطل است ، اما اگر جانب چپ را بر جانب راست مقدم دارد در باطل بودن آن غسل خلاف است ، بعضی بر آنند که غسل صحیح است اما اکثر بر آنند که غسل باطل است .

— سنت است غسل در شبهای فرد ماه مبارک رمضان یعنی شبهایی که در شماره طاق است ، مثل اول و سیم



و پنجم واز شب بیستم تا آخر ماه ، و در شب بیست و نهم دو غسل یکی در اول شب و یکی در آخر شب . و سب است غسل شب عید ماه رمضان و روز عید ماه رمضان و روز عید قربان و شب نیمه ماه رجب و شب نیمه ماه شعبان و روز معیت و آن بیست و هفتم ماه رجب است ، و روز مولود حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و آن هفدهم ماه ربیع الاول است ، و روز ماهله و آن بیست و چهارم ماه ذیحجه است ، و غسل روز دحو الارض و آن بیست و پنجم ذیقعد است ، و غسل روز عید غدیر ، و غسل روز عرفه ، و غسل روز ترویبه که هشتم ماه ذیحجه است و غسل جهت استخاره کردن . ( جامع عباسی ، باب اول ، در احکام اغسال واجبه و اغسال مسومه )

— در غسل ترتیبی باید نصف ناف (!) و نصف عورت را با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بشوید .

— اگر پیش از تمام شدن غسل در شستن مقدار ری از طرف چپ شک کند ، شستن همان مقدار کافی است . ولی اگر بعد از اشتغال به شستن طرف چپ در شستن طرف راست با مقداری از آن شک کند باز هم شستن همان مقدار کافی است .

— جائی را که شک دارد از ظاهر بدن است با از باطن آن ، شستن آن لازم نیست ، ولی احتیاط در شستن است .

— اگر شک کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند ، ولی اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه لازم نیست دوباره غسل کند .

— کسی که نمیتواند غسل کند ، ولی نیت برایش

ممکن است ، اگر بعد از رسیدن وقت نماز بدون حیث با  
عمال خود نزدیکی نماید ( ! ) اشکال دارد ، ولی اگر  
برای لذت بردن یا ترس از برای خودش باشد ( ! ) اشکال  
ندارد .

( آیه‌اله خمی ، توضیح  
المسائل ، احکام عمل ترنسی  
و ارسامی و عمل حناسی )

### در احکام نماز

- اگر شخصی محتلم شده باشد خواهد که مجامعت  
کند ، سنت است که اول وضو سازد تا ایمن شود از دیوانه  
بودن فرزندی که از این جماع بهم رسد .
- اگر خواهد با زن آبستن مجامعت کند اول وضو  
بگیرد تا ایمن شود از دیوانه بودن فرزندی که در شکم  
مادر است و اینکه بیفهم و بیخبل نباشد .
- اگر شخصی مرده را غسل داده باشد خواهد که  
مجامعت کند قبل از غسل مس میت ، سنت است که وضو  
سازد .
- اگر زن حیض داشته باشد سنت است که در وقت  
هر نماز وضو سازد و مشغول به ذکر خدای باشد .
- اگر از شخصی مذي بیرون آید ( و آن آبی است  
چسبنده که از ملاغبت زنان بهم رسد ) سنت است که وضو  
سازد .
- اگر مرد دست به فرج زن رساند ، سنت است که  
وضو سازد .
- اگر کسی زیاده بر چهار بیت از شعر باطل  
بخواند ، سنت است که وضو بسازد .

— اگر شخصی داند که وضو ساخته اما سگ دارد که بعد از وضو بادی از او خارج شده باشد ، — بر او لازم نیست که وضو بسازد و بیهمان وضو نماز مینماید کرد ، و اگر داند که حدت کرده اما سگ دارد که بعد از آن وضو ساخته باشد ، در این صورت لازم است که وضو بسازد ، و اگر شخصی داند که از او هم حدت واقع شده وهم وضو ، اما نداند که کدام یکی سستراست ، برابرش سحر سحر واجب است که وضو سازد .

( جامع عباسی ، باب اول ، در  
واحیات و مستحبات و مکروهات و نحو )

و اما مکروهاتی که تعلق به مکان نمازگزار دارد : اول نماز گذاردن در اندرون حمام ، اما در جامه کن حمام و سربام حمام مکروه نیست . دوم در کشتی نماز گذاردن هرگاه قدرت بر بیرون رفتن از آن باشد ( ! ) . سوم در خانه کعبه نماز واجب گذاردن ، اما نماز مستحب مکروه نیست . چهارم در جایی که در برابر او چراغی باشد یا آتش افروخته ، پنجم در جایشکه در برابر او عورتی خوابیده باشد ، هر چند محرم باشد . ششم در جایشکه سلاح سی غلاف در برابرش باشد . هفتم در خانه‌ای که مجوسی در آن محسبا باشد ، اما در خانه‌ای که یهود و نصاری در آن باشند نماز کردن مکروه نیست . هشتم در خانه‌ای که در آن سگ باشد . نهم آنکه مرد در جایی نماز گذارد که در پهلوی او یا مقدم بر او زنی نماز گذارد ، خواه

محرم باشد و خواه نامحرم ، اما اگر زن در بیس سر مرد  
باشد گراحت برطرف میشود . نهم نماز گذاردن بر  
خاکی که مورچه ها از سوراخ خود بیرون میآورند .  
دهم روی سرف نماز گذاردن . یازدهم در زمینی  
نماز گذاردن که شقایق در آن روئیده باشد . دوازدهم  
در جائی که سران در آنجا خوانند ، هر چند که ار شتر  
خالی باشد .

و چون برای نماز داخل مسجد شود ، اول سبای  
راست را پیش کشد ، و وقتیکه از مسجد بیرون میروید پای  
چپ را .

و از مکروهات است : اول آنکه دیوار مسجد  
کنگره داشته باشد . دوم آواز در مسجد بلند کردن .  
سوم شمیر از غلاف بیرون کردن . چهارم در مسجد  
شعر خواندن ، پنجم خواب کردن . ششم برهنه کردن  
عورتین یا ناف یا ران یا زانو . هفتم در مسجد به  
ترکی یا فارسی حرف زدن .

( جامع عباسی ، کتاب دوم ،  
در احکام مساجد )

### در نمازهای واجبه و مستحبه

بدانکه نمازهای واجبی دوازده است : اول نماز  
شبانروزی که آنرا نماز یومیه گویند . دوم نماز  
جمعه و آن دو رکعت است مثل نماز صبح ، و نماز نافله

قبل از نماز جمعه بیست و یک رکعت است و افضل آن است که شش رکعت را بعد از طلوع آفتاب باندک زمانی بگذرد و شش رکعت بعد از آن باندک زمانی و شش رکعت قبل از زوال باندک زمانی و دو رکعت بعد از زوال . و نماز جمعه از زن و بنده و کور و پیر عاجز وشل که به راه رفتن قادر نباشد با قضا است . سوم و چهارم نماز عیدین یعنی نماز عید ماه رمضان و نماز عید قربان . پنجم نماز طواف خانه کعبه . ششم نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و هر امر آسمانی که موجب خوف باشد مثل بادهای سرخ و سیاه و امثال آن . هفتم نماز میست . هشتم و نهم و دهم نمازی که به نذر واجب شود یا بعهده یا بسوگند . یازدهم نمازی که با چاره واجب میشود . نمازی که از پدر فوت شده باشد برپسر بزرگتر واجب است .

اما نمازهای سنتی ، و از آن جمله بیست و چهار نماز است ؛ اول نوافل یومیه که در هر شبانروزی گذاردن آن سنت است ، و آن سی و چهار رکعت است ، هشت رکعت نافله ظهر است مقدم بر ظهر ، و هشت رکعت نافله عصر است مقدم بر عصر ، و چهار رکعت نافله مغرب است بعد از مغرب ، و دو رکعت نشسته که به یک رکعت حساب است ، و نافله خفتن است بعد از خفتن ، و هشت رکعت نماز نافله شب است و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است و دو رکعت نماز نافله صبح است مقدم بر صبح .

دوم نمازی است که به حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منسوب است و آن دو رکعت است در هر رکعتی یک نوبت فاتحه و پانزده نوبت سوره انا انزلناه و در رکوع نیز پانزده نوبت انا انزلناه و در همچنین در سر

برداشتن از هر رکوع و در هر سجود و در سر برداشتن از هر  
 سجود . سوم . نمازی که به حضرت امیرالمؤمنین علیه  
 السلام منسوب است ، و آن چهار رکعت است در هر رکعت  
 یکنوبت فاتحه و بنحاه نوبت قل هو الله . چهارم  
 نمازی که به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام منسوب  
 است و آن دو رکعت است در رکعت اول سوره فاتحه یکبار  
 و سوره انا انزلناه صد بار ، و در رکعت دوم سوره  
 فاتحه یکبار و سوره قل هو الله صد بار . پنجم نمازی  
 که منسوب است به جعفر طیار رضی الله عنه ، و آن چهار  
 رکعت است به دو سلام ، در رکعت اول بعد از فاتحه  
 سوره اذا زلزلت الارض را بتمام بخواند ، و در رکعت  
 دوم بعد از فاتحه سوره والاعادیات ، و در رکعت سوم  
 بعد از فاتحه سوره اذا جاء ، و در رکعت چهارم بعد از  
 فاتحه سوره قل هو الله ، و قبل از هر رکوع پانصد  
 نوبت " سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر "   
 بخواند ، و در هر رکوع ده نوبت ، و در هر سر برداشتن  
 از رکوع ده نوبت ، و در هر سجود ده نوبت ، و در هر سر  
 برداشتن از سجود ده نوبت . پس این تسبیح در این  
 نماز سیصد نوبت گفته میشود . این نماز را اگر هر  
 شب گذارند ثواب عظیم دارد . ششم نماز اعرابی ،  
 و آن ده رکعت است دو رکعت به یک سلام ، بعد از آن هشت  
 رکعت دیگر هر چهار رکعت به یک سلام ، و وقت آن جا است  
 روز جمعه است . در رکعت اول بعد از فاتحه هفت نوبت  
 سوره قل اعوذ برب الفلق بخواند و در رکعت دوم بعد  
 از فاتحه هفت نوبت سوره قل اعوذ برب الناس ، و چون  
 سلام دهد هفت نوبت آیه الكرسي بخواند و بعد از آن هشت  
 رکعت باقی را بگذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره

اداحاء را بکنوت بخواند و سوره قل هو الله را بیست و  
 پنج نوبت ، و چون سلام دهد هفتاد نوبت بگوید " سبحان  
 الله رب العرش الکریم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی  
 العظیم " . هفتم نماز طلب باران و آنرا نماز  
 استسقاء گویند ، و آن دو رکعت است که گذاردن آن به  
 جماعت افضل است ، و باید که سی از فراغت آن  
 بیست نماز رو بقبله کند و صد بار الله اکبر بگوید ، و بعد  
 از آن بحاجت راست صد نوبت لا اله الا الله ، و بعد از  
 آن بجانب چپ صد بار سبحان الله ، و بعد از آن به جانب  
 حاضران صد نوبت الحمد لله ، و جمیع حاضران این ذکرها  
 را باواز بلند بگویند . هشتم نماز عند غدیر است و  
 آن دو رکعت است ، در هر رکعت فاتحه بکنوت و هریک  
 از سوره های آیه الکرسی و انا انزلناه و قل هو الله ده  
 نوبت ، و سنت است که بعد از نماز دعای طویل که در  
 مصاح مذکور است بخواند . نهم نماز روز اول هر  
 ماه است ، و آن دو رکعت است ، در رکعت اول سوره فاتحه  
 یکبار و سوره قل هو الله سی بار ، و در رکعت دوم سوره  
 فاتحه یکبار و سوره انا انزلناه سی بار ، دهم نماز  
 نافله ماه رمضان ، و آن هزار رکعت است ، و گذاردن  
 آن بدو طریق است : طریق اول آنکه در شب اول نبا  
سستم ، هر شب بیست رکعت گذارد : هشت رکعت میانه شام  
 و خفتن و دوازده رکعت بعد از خفتن ، و در شب نوزدهم  
 صد رکعت افزاید و همچنین در شب بیست و سوم ، طریق  
 دوم آنکه در هریک از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و  
 سوم به صد رکعت اکتفا کند و از هشتاد رکعت که میماند  
 چهل رکعت را در حینار روز جمعه بگذارد هر روز ده رکعت  
 نماز حضرت امیر المؤمنین و ده رکعت نماز فاطمه زهرا

و چهار رکعت نماز جعفر طیار. بازدهم نماز روز  
 مسعت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله، و آن  
 بیست و هفتم ماه رجب است، و این نماز دوازده رکعت  
 است هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت فاتحه یکبار  
 و هر سوره ای که از قرآن خواهد یکبار، و چون فارغ شود  
 چهار نوبت این دعا را بخواند ( متن دعا ) و بعد از  
 آن چهار نوبت این دعای دیگر را ( متن دعا ). دوازدهم  
 نماز شب مسعت است و آن دوازده رکعت است در هر رکعت  
 فاتحه یکبار و هر یک از سوره های ناس و فلق و قل هو الله  
 را چهار بار بخواند و چون از نماز فارغ شود چهار  
 نوبت این دعا را بگوید ( متن دعا ) . سیزدهم نماز  
 روز ماهله است، و آن بیست و چهارم ذیحجه است و این  
 نماز مثل نماز عید غدیر خوانده شود. چهاردهم نماز  
 زیارت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله و باقی  
 ائمه معصومین علیهم السلام است، و چون زیارت حضرت  
 امیر المؤمنین علیه السلام کند نماز زیارت حضرت آدم  
 علیه السلام و نماز زیارت حضرت نوح علیه السلام کند چون  
 هر دو در آن مکان مقدس مدفونند. پانزدهم نماز رغایب،  
 و آنرا در شب جمعه اول ماه رجب میان شام و خفتن  
 باید گذارد بعد از آنکه پهنه را روزه ندارد، و این  
 نماز دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره الحمد یکبار  
 بخواند و سوره انا انزلناه سه بار و سوره قل هو الله  
 دوازده بار، و چون سلام دهد هفتاد بار بگوید " اللهم  
 صل علی محمد و آل محمد " ، بعد از آن سه سجده رود  
 و هفتاد نوبت بگوید سبح قدوس ربنا ورب الملائکة  
 و الروح، و چون سر از سجده بردارد هفتاد بار بگوید  
 رب اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم،



بار سجده رود و آنچه در سجده اول گفته ایمان طریق  
 باز بگوید و بعد از آن حاجت خود را از خدای تعالی  
 بطلبد . شانزدهم نماز شب نصف ماه رحمت ، و آن سسی  
 رکعت است . در هر رکعت یکسوره فاتحه بخواند  
 و پانزده نوبت سوره قل هوالله . هفدهم نماز شب  
 نصف شعبان ، و آن چهار رکعت است ، در هر رکعت یکبار  
 سوره فاتحه بخواند و صد بار سوره قل هوالله . هجدهم  
 نماز عید ماه رمضان ، و آن دو رکعت است . در رکعت  
 اول یکبار سوره فاتحه بخواند و هزاربار سوره قل  
 هوالله احد ، و در رکعت دوم یکبار فاتحه و یکبار  
 قل هوالله . نوزدهم نماز ساعت غفلت ، و آن ساعت  
 مابین نماز شام و خفتن است و این نماز را نماز غفله  
 گویند ، و آن دو رکعت است . در رکعت اول بعد از  
 فاتحه این آیه را بخواند ( متن آیه ) بعد از آن  
 حاجت خود را بطلبد . بیستم نماز سنتی که در وقت  
 شروع سفر بجا آورد ، و آن دو رکعت است در هر یک سوره  
 فاتحه و سوره دیگری از قرآن کریم یکبار بخواند و چون  
 از نماز فارغ شود این دعا را بخواند ( متن دعا ) .  
بیست و یکم نماز توبه و آن دو رکعت است . در هر رکعت  
 سوره فاتحه و هر سوره ای که خواهد بخواند و چون از نماز  
 فارغ شود دعای توبه را که مفصل است و در صحیفه کامله  
 مذکور است بخواند ( متن دعا ) . بیست و دوم نماز  
 هدیه میت است . و آن دو رکعت است . در رکعت اول یک  
 نوبت سوره فاتحه و یک نوبت سوره آیه الکرسی و در رکعت  
 دوم یک نوبت سوره فاتحه و ده نوبت سوره انا انزلناه ،  
 و چون از نماز فارغ شود چنین گوید ( متن دعا ) .